جغرافیا (فصلنامه علمی ـ پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)
دوره جدید، سال دوازدهم، شماره ۴۲، پاییز۱۳۹۳

نقش سرمایه روانشناختی در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی
مطالعه موردی: شهرستان مشگین شهر

دکتر وکیل حیدری ساربان[۱]

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/٦/۲۷، تاریخ تایید: ۱۳۹۲/۹/۳۰

چکیده

هدف این مقاله شناخت نقش سرمایه روانشناختی در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی می‌باشد. این تحقیق از نوع کاربردی و به روش تحلیلی- تبیینی است که با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تایید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم‌افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۵ الی ۰/۸۲ بدست آمد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان مشگین شهر می‌باشد (N=۹۰۳۵۹)، که از این میان تعداد ۱۹٦ نفر با استفاده از فرمول کوکران به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین تمامی متغیرهای تحقیق با ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین، در آزمون رگرسیون چندگانه خطی متغیرهای تاب‌آوری، خودکارآمدی و امیداوری توانایی تبیین ۰/٤٥ درصد از تغییرات متغیر کیفیت زندگی را دارا می‌باشند. در نهایت، با توجه به تحلیل نتایج، پیشنهادات کاربردی ارائه شده است.

کلیدواژگان: سرمایه روانشناختی، توسعه اجتماعی، کیفیت زندگی، توسعه روستایی، شهرستان مشگین شهر.

---

۱. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی

مقدمه

کیفیت زندگی یکی از مهم‌ترین مسائل پیش‌روی جهان امروز است. افزون بر این، ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی از مهم‌ترین اهداف حکومت‌ها و دولت‌های مختلف در سطح دنیا محسوب می‌شود (حسین‌زاده و میرزایی، ۱۳۸٦: ۱۷) و از دهه‌های پایانی قرن بیستم در پی بروز پیامدهای منفی حاصل از رویکردهای توسعه‌ای متمرکز بر رشد اقتصادی و هم‌چنین برجسته‌شدن جنبه‌های اجتماعی توسعه در قالب مباحث توسعه و سیاست اجتماعی، سازه کیفیت زندگی به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی و جهت دادن به توسعه و سیاست‌های توسعه در سطوح مختلف و هم‌چنین اصلاح و تقویت رویکردهای جدید توسعه با محوریت توسعه اجتماعی مورد توجه قرار گرفت (غفاری، امیدی،۱۳۸۸: ۱) نیز، امروزه تقریباً همگان هدف نهایی انواع توسعه را افزایش کیفیت زندگی می‌دانند. برای مثال با نگاهی به شاخص‌های توسعه اجتماعی بانک جهانی، مشاهده می‌شود که ریشه‌کنی فقر، ایجاد اشتغال، انسجام اجتماعی، برابری جنسیتی و دسترسی به آموزش و بهداشت، از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه هستند (وصالی، توکل، ۱۳۹۱: ۱۹۸) که تمام این شاخص‌ها به‌عنوان شاخص کیفیت زندگی محسوب می‌شود.

متون توسعه نشان می‌دهد هر یک از انواع سرمایه‌های اعم از سرمایه اقتصادی، فرهنگی، محیطی و روانشناختی می‌تواند برای دست‌یابی به یکی از ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی به کار گرفته شود، اما در بین تمامی این سرمایه‌ها سرمایه روانشناختی جایگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین کیفیت زندگی و سرمایه روانشناختی باید همبستگی نزدیک و فراوانی با یکدیگر داشته باشند و در نتیجه سرمایه روانشناختی می‌تواند بر کیفیت زندگی تاثیرگذار باشد. و در فرآیند ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی روستایی، متغیرهای روانشناختی به ویژه سرمایه روانشناختی نقش کلیدی ایفا می‌کنند؛ چرا که هیچ توسعه‌ای بدون خودکارآمدی، تاب آوری، خوش‌بینی و امیدواری ذی‌نفعان و اجتماعات محلی شکل نمی‌گیرد. و در این ارتباط، واکاوی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که سرمایه روانشناختی یکی از جنبه‌های مهم در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی اجتماعات روستایی است. به این خاطر در این تحقیق راهبرد سرمایه روانشناختی در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی روستایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین در

طی چند سال گذشته، در نواحی روستایی شهرستان مشگین‌شهر یک سری اتفاقات و مسائلی رخ داده (از جمله: عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، عدم رضایت شغلی، پایین‌بودن میزان درآمد، عدم بهزیستی فردی و امنیت و پایین‌بودن شاخص‌های سرمایه روان‌شناختی و...) که میزان بهبود کیفیت زندگی روستاییان را تحت شعاع قرار داده و اثرات منفی در توسعه روستایی بر جای گذاشته است و هم چنین، این مطالعه به دنبال آن است که این سئوال را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد: آیا بین سرمایه روانشناختی و ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی ارتباط معنادار وجود دارد؟ به همین دلیل، ابتدا مبانی نظری کیفیت زندگی و سرمایه روانشناختی مورد بحث قرار گرفته سپس با ارائه مدل مفهومی ارتباط بین سرمایه روانشناختی و ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی بررسی گردیده است و از آن جایی که در ایران تاکنون مطالعه خاصی در خصوص نقش سرمایه روانشناختی در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی روستایی صورت نگرفته است. به این خاطر، مقاله حاضر در راستای تبیین رابطه بین سرمایه روانشناختی و بهبود کیفیت زندگی افراد روستایی است.

مبانی نظری

بدون شک در طول سه دهه اخیر، کیفیت زندگی، به عنوان جانشینی بر رفاه مادی، به اصلی‌ترین هدف اجتماعی کشورهای مختلف تبدیل شده است (باسخا و همکاران، ۱۳۸۹: ۹٦) و اگر چه تعابیر و تفاسیر گوناگون و متعددی را برای کیفیت زندگی می‌توان سراغ گرفت اما تعریف قابل قبول جهانی برای این مفهوم صورت نگرفته است. از نظر برخی، کیفیت زندگی مفهومی است که برای ترسیم توسعه رفاه جامعه به کار می رود. (ماجدی، لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵ :۱۰۰). سازمان بهداشت جهانی در تعریف کیفیت زندگی به درک هر فرد از موقعیت خود در بافتی از نظام‌های فرهنگی و ارزشی پیرامون، در ارتباط با اهداف، انتظارات و استانداردها و علاقمندی، تاکید دارد. در این نگاه، کیفیت زندگی مفهومی فراگیر است که از سلامت جسمانی، رشد شخصی، حالات روانشناختی، سطح استقلال، روابط اجتماعی و روابط با نهادهای برجسته محیط، تاثیر می‌پذیرد و نیز بر ادراک افراد مبتنی است (اکبری بیاتیانی و همکاران، ۱۳۸۹: ١٦٤). شوماخر کیفیت زندگی را در این می‌داند که افراد از زندگی‌شان رضایت داشته باشند، به عبارت دیگر کیفیت زندگی معادل

احساس رضایت کلی از زندگی در نظر گرفته شده است (محمودی، ۱۳۹۰: ٤٥) و به باور پال کیفیت زندگی به مثابه معیاری جهت اندازه‌گیری میزان برآورده‌شدن نیازها و خواسته‌های مادی، روحی و روانی فرد، خانواه و جامعه تعریف شده است(Pal, 2005: 33). هدف نهایی بررسی کیفیت زندگی و کاربرد آن به این خاطر است که شاخص‌های کیفیت زندگی افراد، جوامع و ملت‌ها ارتقای یافته و زمینه بروز و ظهور یک زندگی هدفمند و لذت‌بخش فراهم گردد (Parker, 2005: 237). محققان علوم انسانی معتقدند که ریشه بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی همانند تنش، استیصال، اضطراب، افسردگی و یاس نوامیدی، احساس عجز، احساس تنهایی، کاهش تحمل اجتماعی و غیره در پایین بودن میزان سرمایه روانشناختی افراد، جوامع و ملت‌ها قرار دارد که با تقویت سرمایه روانشناختی می‌توان با این مشکلات مبارزه کرد. و سرمایه روانشناختی عبارتست از مجموعه‌ای از صفات و توانمندی‌های مثبت افراد و سازمان و نهادها که می‌تواند مانند یک منبع قوی در رشد و ارتقای فرد و سازمان و نهادها نقش داشته باشد (علیپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷) و سرمایه روانشناختی به‌عنوان نیرویی در جهت ترقی فرد، بهبود عملکرد فردی، افزایش قدرت نفوذ، بهبود عملکرد سازمان، نهاد و سکونتگاه‌های انسانی، افزایش درآمد و ایجاد مزیت رقابتی نگریسته می‌شود (سادات مرعشیان و نادری، ۱۳۹۲: ۱۱۵) افزون بر این، سرمایه روانشناختی فراتر از سرمایه انسانی و اجتماعی است به جای این که چه چیزی را می‌دانید و چه کسی را می‌شناسید، چه کسی هستید را دربرمی‌گیرد (شولتس،۱۳۸۰) در ارتباط با متغیرهای روانشناختی از جمله خودکارآمدی، تاب‌آوری، امیدواری و خوش‌بینی باید گفت که خود کارآمدی به معنی اطمینان داشتن به توانایی مورد نیاز در دست‌یابی به موفقیت و باور به داشتن قدرت در غلبه بر تکالیف چالش‌انگیز است(Luthans and et al, 2008: 209-2011)، تاب‌آوری حالتی قابل توسعه در فرد است که بر اساس آن در رویارویی با ناکامی‌ها، مصیبت‌ها و حتی رویدادهای مثبت، پیشرفت‌ها و مسئولیت، قادر است به تلاش بیش‌تری ادامه دهد و برای دست‌یابی به موفقیت بیشتر از پای ننشیند (Avey, et al. 2011). به باور لوتانز تاب‌آوری به عنوان جزیی از رفتار به صورت «ظرفیت برگشت به عقب» شامل انعطاف‌پذیری، تنظیم، تطابق، پاسخ‌دهی مداوم به تغییر و ابهام می‌شود که می‌تواند به صورت دیگر، جایگزین منبع تقلا و چالش روانی بهزیستی فرد در طولانی مدت باشد (Luthans, 2008:60). علاوه بر این، خوش‌بینی اسناد درونی بالنسبه ثابت و کلی در مورد حوادث مثبت است (Bakker, schaufeil,

29 :2008). سلیگمن (۱۹۸٦)، پدر روانشناسی مثبت، بر این باور است که افراد خوش‌بین، در رویارویی با شکست‌ها و موفقیت‌های خود، چنین عمل می کنند:

۱. بر اسنادهای کلی تکیه می‌کنند: مثلاً «من قادر به کسب موفقیت در زمینه‌های گوناگون هستم».

۲. اسنادهایشان پایدار است: مثلاً «من می‌توانم به طور مستمر این موفقیت را به طور مستمر از آن خود کنم».

۳. موفقیت‌هایشان را به توانایی‌های درونی خود نسبت می‌دهند مثلا: «توانایی‌ها و تلاش خودم منجر به موفقیتم شد».

٤. در رویارویی با ناکامی‌ها، شکست خود را به عوامل ویژه بیرونی و غیرپایدار نسبت می‌دهند، مثلاً «گرمی هوا باعث شد، سخنرانی من خوب پیش نرود»

و امیدواری حالت انگیزشی مثبت است که از احساس موفقیت‌آمیز (عاملیت) و برنامه‌ریزی برای هدف ناشی شده است و بنابر این عاملیت از دو جز تشکیل شده است: عاملیت و برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف. مقصود از عاملیت، داشتن اراده انسانی برای دست‌یابی به نتیجه مورد نظر و یا دلخواه است (Snyder, 2000). به سخن دیگر امیدواری، مستلزم عاملیت یا نوعی انرژی برای تعقیب هدف‌ها است. علاوه بر این، دیگر عنصر تشکیل‌دهنده امیداوری، برنامه‌ریزی برای دست‌یابی به هدف است که نه تنها دربرگیرنده شناسایی هدف‌ها است، بلکه راه‌های متفاوت رسیدن به هدف را نیز دربرمی‌گیرد.

علاوه بر این تجارب مطالعاتی که توسط صاحب‌نظرانی چون لارسون و لئوتانز(۲۰۰٦) در مناطق مختلف جهان طی دهه‌های اخیر انجام گرفته نیز بر همین ایده صحه می‌گذارد که سرمایه روانشناختی نقش اساسی در ارتقای کیفیت زندگی روستاییان ایفا می‌نماید. با این اوصاف در بحث ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی جوامع روستایی لازم است که بررسی‌ها و مطالعات بیشتری صورت گیرد و یافته‌های علمی نشان می‌دهد که سرمایه روانشناختی در کنار مدیریت اصولی و شایسته در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی مناطق روستایی تاثیر شایانی دارد. و بررسی مطالعات دیگران بیان‌گر این امر است که بین سرمایه روانشناختی و ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی رابطه معنادار وجود دارد. و علاوه بر این، سرمایه روانشناختی، با تکیه بر متغیرهای روانشناختی مثبت هم چون امیدواری، خوش‌بینی، تاب‌آوری وخود کارآمدی

منجر به ارتقای بهزیستی فردی، درآمد، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و رضایتمندی و در یک مفهوم بهبود کیفیت زندگی روستاییان شده و به توسعه روستایی منجر می‌شود (Wright, 2003: 437-442). یافته‌های نصر اصفهانی و همکاران(۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی اثرات سرمایه روانشناختی بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی» نشان‌دهنده تاثیر مثبت سرمایه روانشناختی بر تعهد سازمانی و رضایتمندی شغلی است. نتایج تحقیق بابائیان و همکاران(۱۳۹۰) با عنوان «تاثیر سرمایه روانشناختی بر رضایت شغلی افسران مرز ناجا» نشان داد که سرمایه روانشناختی و همه مولفه‌های در نظر گرفته آن بر رضایت شغلی تاثیر مثبتی داشته‌اند و از میان ابعاد سرمایه روانشناختی، خودکارآمدی بیش‌ترین تاثیر معنادار و مثبت و امیداوری کم‌ترین تاثیر را بر رضایت شغلی داشته‌اند. تین (۲۰۰٤) در مطالعات خود به این نکته پی برد که با تقویت سرمایه روانشناختی در مناطق روستایی زمینه دسترسی آسان اجتماعات روستایی به خدمات بهداشتی و آموزشی مهیا می‌گردد. نتایج مطالعات کاتزل و همکاران (۱۹۹۲) نشان داد که سرمایه روانشناختی با تقویت سرمایه اجتماعی، بهزیستی فردی و رضایتمندی شغلی موجبات ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی را فراهم می‌آورد. والتر و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند که بین سرمایه روانشناختی با افزایش درآمد و بهبود الگوی مصرف خانوار رابطه معنی‌داری وجود دارد. از دیدگاه ترنز و همکاران (۲۰۰۲) با تقویت سرمایه روانشناختی زمینه عضویت اجتماعات روستایی در تشکل‌های مدنی اعم از تعاونی‌های روستایی، سازمان‌های غیردولتی و غیره زمینه ظهور و بروز می‌یابد. در این ارتباط، چارچوب نظری تحقیق با توجه به مرور ادبیات و پیش‌نگاشته‌های موضوع و بر اساس اهداف پژوهش، در شکل (۱) ارائه شده است.

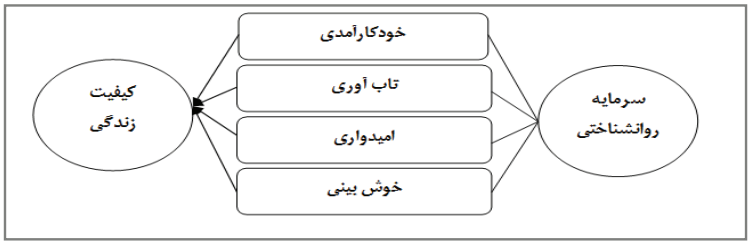

شکل۱: چارچوب نظری پژوهش (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

در نهایت، در تحقیق حاضر، فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار می‌گیرند.

۱. به نظر می‌رسد بین خودکارآمدی و کیفیت زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛

۲. به نظر می‌رسد بین تاب‌آوری و کیفیت زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛

۳. به نظر می‌رسد بین امیدواری و کیفیت زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ و

٤. به نظر می‌رسد بین خوش‌بینی و کیفیت زندگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف، توسعه‌ای، و از لحاظ ماهیت، توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع همبستگی است. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ‌گویی به سئوالات تحقیق، به دو صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی(داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از دو نوع پرسش‌نامه سرمایه روانشناختی و کیفیت زندگی استفاده شد. ابزار جمع‌آوری داده پرسش‌نامه بوده است هم چنین پرسش‌نامه سرمایه روانشناختی شامل ٤١ پرسش است که به سنجش مولفه‌های خود کارآمدی، تاب آوری، امیدواری و خوش‌بینی می پردازد. و پرسش‌نامه کیفیت زندگی شامل ٥٤ پرسش است که به سنجش مولفه‌های دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی، عضویت در تشکل‌های مدنی، بهزیستی فردی، امنیت، میزان درآمد، میزان مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، رضایت شغلی، بهبود وضعیت مسکن، گذران اوقات و فراغت و اصلاح الگوی مصرف خانوار مبادرت می‌ورزد. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تایید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد۳۰ پرسش نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۵ الی ۰/۸۲ بدست آمد جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه روستاییان شهرستان مشگین‌شهر می‌باشد که ۹۰۳۵۹ نفر می‌باشد که از این میان تعداد ۱۹٦ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

$$n = \frac{Nt^2\,pq}{(N-1)d^2\,+pq} = \frac{90359\times 1.96^2\times 0.5\times 0.5}{90358\times 0.007^2+1.96^2\times 0.5\times 0.5}$$
$$= \frac{90359\times 3.8416\times 0.25}{90358\times 0.0049+3.84\times 0.25} = \frac{86780.7836}{443.7142} = 196$$

از آنجایی که نوع روستا از لحاظ اوضاع طبیعی در منطقه در سه دسته کلی روستاهای جلگه‌ای، روستاهای کوهستانی، روستاهای جلگه‌ای ـ کوهستانی قرار گرفته بودند. بر این مبنا طی بررسی‌ها مشخص شد در سطح شهرستان مشگین‌شهر مجموعاً ۸۱ روستای جلگه‌ای،۱٤٤ روستای کوهستانی و ۱۰٤ روستای جلگه‌ای-کوهستانی وجود دارد بر اساس شاخص وضعیت ارتفاعی تعداد ۹ روستا از نوع کوهستانی (٤٥٪) تعداد ۵ روستا از نوع جلگه‌ای (۲۵٪) و تعداد ٦ روستا از نوع جلگه‌ای-کوهستانی(۳۰٪) به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. همان‌طوری که گفته شد ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه پرسش‌نامه‌ای بوده است که با توجه به اهداف تحقیق طراحی شد. در این پژوهش اطلاعات بدست آمده با استفاده از شیوه‌های آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تبیین رابطه بین هر یک از مولفه‌های سرمایه روانشناختی (خود کارآمد بودن، تاب آوری، امیداوری و خوش‌بینی) و کیفیت زندگی از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره و مدل تحلیل مسیر استفاده شد و همه عملیات آماری با استفاده از نرم افزار SPSS، انجام گرفت.

یافته‌های توصیفی تحقیق

- **ویژگی‌های فردی نمونه مورد مطالعه**

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نمونه آماری مورد مطالعه بر حسب گروه سنی، در محدوده سنی ۱۵ الی ۷۲ سال قرار دارند . همان‌طوری که جدول (۱) نشان می‌دهد بیش‌ترین تعداد نمونه در گروه سنی۲۱ الی۳۰ سال قرار دارند. بررسی وضعیت تاهل نیز نشان داد ٦۰/۵۷ درصد (۲۳۲ نفر) متاهل و۳۹/٤۲ درصد (۱۵۱ نفر) در تحقیق حاضر مجرد هستند. بررسی تعداد اعضای خانوار نیز مشخص کرد محدوده سنی٤ الی ٦ با ۳٦/۸۱ درصد در بالاترین رده و محدوده سنی بالای ۱۰ با ۸/۰۹ درصد در پایین‌ترین رده قرار دارند.

جدول۱: توزیع فراوانی روستاییان مورد مطالعه بر حسب گروه سنی، وضعیت تاهل و تعداد اعضای خانوار

گروه سنی	فراوانی	درصد
۲۰ سال و کمتر	۷۲	۱۸/۷۹
۲۱ – ۳۰	۱۱۰	۲۸/۷۲
۳۱– ٤۰	۹۸	۲۵/۵۸
٤۱ سال و بالاتر	۱۰۳	۲٦/۸۹
جمع	۳۸۳	٪۱۰۰
وضعیت تاهل		
مجرد	۱۵۱	۳۹/٤۲
متاهل	۲۳۲	٦۰/۵۷
جمع	۳۸۳	٪۱۰۰
تعداد اعضای خانوار		
۰–۳	۹۵	۲٤/۸۰
٤–٦	۱٤۱	۳٦/۸۱
۷–۹	۱۱٦	۳۰/۲۸
بالای ۱۰	۳۱	۸/۰۹
جمع	۳۸۳	٪۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طوری که جدول (۲) نشان می‌دهد که از میان ۳۸۳ نفر نمونه آماری مورد مطالعه، ۱۰۱ نفر بی‌سوادند (۲٦/۲۰درصد)، ۱٤/۳٦درصد با آموزش نهضت سوادآموزی، توانایی خواندن و نوشتن دارند. ۸۷ نفر(۲۲/۷۱) درصد در مقطع ابتدایی تحصیل کرده‌اند و ٦۵نفر(۱٦/۹۷درصد) در مقطع راهنمایی و ٤٤ نفر (۱۱/٤۸درصد) در مقطع متوسطه تحصیل کرده‌اند. ۳۱ نفر (۸/۰۹ درصد) نیز مدرک دیپلم دارند. با توجه به این اطلاعات، می‌توان گفت ٦۳/۲۷ درصد از نمونه آماری مورد مطالعه، تحصیلات قابل توجهی ندارند بی‌سواد و کم‌سواد هستند.

جدول۲: میزان تحصیلات روستاییان مورد مطالعه

ردیف	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
۱	بی سواد	۱۰۱	۲٦/۲۰
۲	خواندن و نوشتن	٥٥	۱٤/۳٦
۳	ابتدایی	۸۷	۲۲/۷۱
٤	راهنمایی	٦٥	۱٦/۹۷
٥	متوسطه	٤٤	۱۱/٤۸
٦	دیپلم و بالاتر	۳۱	۸/۰۹
۷	جمع کل	۳۸۳	٪۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

- **یافته‌های استنباطی تحقیق**

با توجه به جدول۳، بین متغیر تاب‌آوری (r= -۰/۳٤۷) ، با ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی رابطه منفی و معنی‌دار در سطح ۰/۰۰۰ وجود دارد. و بین متغیرهای خودکارآمدی (r= ۰/۳۲۳)، امیدواری (r=۰/۲۸۸)، و خوش‌بینی(r= ۰/۲۸۱) با ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی رابطه مثبت و معنی‌دار به ترتیب در سطح ۰/۰۰۰، ، ۰/۰۰٤ و ۰/۰۰۵ وجود دارد.

جدول۳: همبستگی بین مولفه‌های سرمایه روانشناختی با شاخص‌های کیفیت زندگی

متغیر مستقل		متغیر وابسته	مقدار (r)	مقدار (p)
سرمایه روانشناختی	خودکارآمدی	کیفیت زندگی	۰/۳۲۳	۰/۰۰۰
	تاب آوری	کیفیت زندگی	-۰/۳٤۷	۰/۰۰۰
	امیدواری	کیفیت زندگی	۰/۲۸۸	۰/۰۰٤
	خوش بینی	کیفیت زندگی	۰/۲۸۱	۰/۰۰۵

منبع: یافته‌های تحقیق

علاوه بر این، نتایج بدست آمده در جدول (٤) نشان می‌دهد، به‌منظور بررسی نقش سرمایه

روانشناختی در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. سه متغیر مستقل با متغیر وابسته (ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی) دارای رابطه معنی‌دار در سطح p= ۰/۰۵ بوده‌اند. لذا سه متغیر برای پیش‌بینی متغیر وابسته مورد استفاده واقع شدند. هم چنین در اولین گام متغیر تاب‌آوری وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) برابر۰/٤۸ و ضریب تعیین برابر۰/۲۳ بدست آمد، به عبارتی دیگر ۰/۲۳ درصد تغییرات متغیر وابسته یعنی ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی توسط این متغیر تبیین می‌گردد. در گام دوم متغیر خودکارآمدی وارد معادله گردید. این متغیر ضریب همبستگی چندگانه را به ۰/٦۱ و مقدار ضریب تعیین را نیز تا حد ۰/۳۷ بالا برد. در گام سوم ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/٦۷ و ضریب تعیین برابر با ۰/٤۵ بدست آمد، و سهم خالص این متغیر ۸ درصد می‌باشد. یعنی این ۳ متغیر ۰/٤۵ درصد از واریانس مربوط به ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی را تبیین می‌کنند.

جدول٤: نتایج حاصل از رگرسیون چند گانه با ورود سرمایه روانشناختی به معادله

	مدل	R	R^2	R^2 تعدیل شده	مقدارF	سطح معنی داریF	Beta	مقدارt	مقدار p
متغیرهای مستقل	تاب آوری	۰/٤۸۸	۰/۲۳۸	۰/۲۳۱	۳۰/٦۵	۰/۰۰۰	۰/۵۷۷	۷/٤٦	۰/۰۰۰
	خودکارآمدی	۰/٦۱۵	۰/۳۷۹	۰/۳٦٦	۲۹/۵۳	۰/۰۰۰	۰/٤٦۸	۵/۸۱	۰/۰۰۰
	امیدواری	۰/٦۷۵	۰/٤۵٦	۰/٤۳۹	۲٦/۸۲	۰/۰۰۰	۰/۲۹۱	۳/٦۹	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از تحلیل مسیر چهار متغیر اصلی شامل: خوش‌بینی، خودکارآمدی، امیدواری و تاب‌آوری در زیر نشان داده شده است. شایان ذکر است در این مرحله به صورت یک‌جا به تحلیل مسیر متغیرهای اصلی تاثیرگذار بر ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی مبادرت شده است و نتایج حاصل از تحلیل مسیر چهار متغیر اصلی شامل: خوش‌بینی، خودکارآمدی، امیدواری و تاب‌آوری در نمودار (۱) نشان داده شده است. بر این اساس و براساس ضرایب همبستگی موجود، متغیر تاب‌آوری به ترتیب بیش‌ترین تاثیر را در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی داشته‌اند. بر این اساس، متغیر تاب‌آوری علاوه

بر اثرات مستقیمی که بر ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در روستاهای نمونه داشته با تاثیرگذاری بر سه متغیر دیگر، اثرات غیرمستقیمی نیز در این زمینه داشته است که نباید مورد بی‌توجهی قرار گیرد. این موضوع نشان‌دهنده وجود اختلاف بین نظرات روستاییان در مورد اهمیت هر یک از متغیرها و نتایج حاصل از تحلیل مسیر است. شایان ذکر این‌که بیش‌ترین اختلاف در مورد اهمیت متغیر تاب‌آوری است.

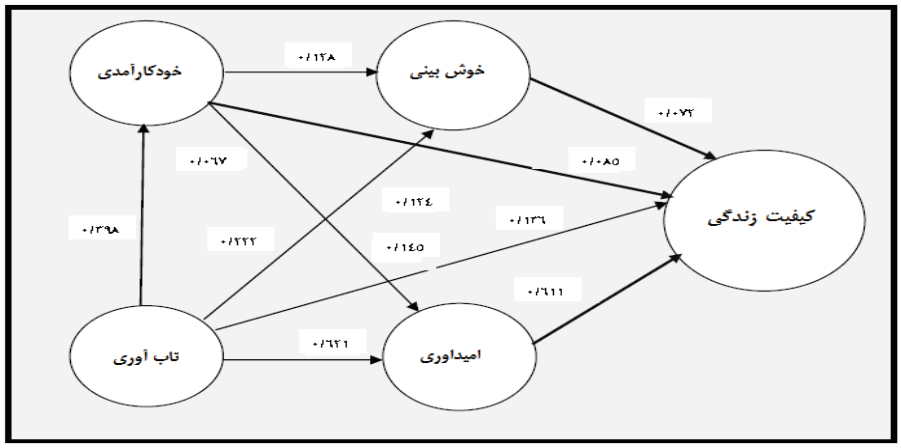

نمودار۱: نمودار نهایی تحلیل مسیر با استفاده از ضرایب همبستگی (ماخذ:یافته‌های تحقیق)

همان‌طوری که در نمودار تحلیل مسیر دیده می‌شود متغیر تاب‌آوری بیش‌ترین تاثیر را در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی دارد و در مرحله بعد متغیر خودکارآمدی، متغیر امیدواری و متغیر خوش‌بینی به ترتیب از متغیرهای تاثیرگذار در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی می‌باشد.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در نهایت، می‌توان گفت در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی، نقش سرمایه روانشناختی از اهمیت اساسی برخوردار است و سرمایه روانشناختی در واقع به مفهوم «چه کسی هستید (خود واقعی)» و «چه کسی می‌خواهید بشوید (خود ممکن)» بر یک مبنای توسعه‌ای و رشد یابنده باز

می‌گردد که در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی (دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، تمایل به عضویت در نهادهای مدنی، بهزیستی فردی، امنیت، افزایش میزان درآمد، افزایش میزان مشارکت اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی، افزایش رضایتمندی و بهبود الگوی مصرف خانوار) نقش مهمی بازی می‌کند.

همان‌طور که بحث شد این مقاله نقش سرمایه روانشناختی را در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی مورد بحث و بررسی قرار داده است. و یافته‌های استنباطی تحقیق نشان داد که بین تمامی متغیرهای سرمایه روانشناختی (خودکارآمدی، خوش‌بینی، امیدواری و تاب‌آوری) با ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. هم‌چنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق بوسیله رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام نشان داد سه متغیر تاب‌آوری، خودکارآمدی و امیدواری بر اساس میزان بتای بدست آمده، به ترتیب به عنوان موثرترین متغیرهای تبیین‌کننده ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی معرفی شدند. مقدار ضریب تعیین در گام سوم برای این سه متغیر ۰/٤٥ بدست آمده است. این مقدار نشان می‌دهد که ٤٥ درصد از تغییرات شاخص‌های کیفیت زندگی توسط این سه متغیر سرمایه روانشناختی تبیین می‌گردد و بقیه تغییرات به متغیرهای دیگر بستگی دارد. هم‌چنین نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد متغیر تاب‌آوری بیشترین تاثیر را در ارتقای شاخص های کیفیت زندگی در مناطق روستایی دارد و در مرحله بعد متغیر خودکارآمدی، متغیر امیدواری و متغیر خوش‌بینی به ترتیب از متغیرهای تاثیرگذار در ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی می‌باشد.

با استناد به نتایج استنباطی تحقیق مبنی بر وجود همبستگی معنی‌دار بین متغیرهای سرمایه روانشناختی و ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی پیشنهاد می‌گردد به دلیل اهمیت سرمایه روانشناختی و تاثیر آن در متغیرهایی مانند رضایتمندی، سرمایه اجتماعی، بهزیستی فردی، میزان درآمد، مشارکت اجتماعی و غیره باید مسئولین نهادها و سازمان‌های توسعه روستایی بیشتر از پیش در جریان اهمیت و نقش سرمایه روانشناختی قرار گیرند. و دوره‌هایی مانند برنامه مداخلاتی لوتانز در مناطق روستایی برگزار شود تا به این وسیله بتوان از طریق ارتقای سرمایه روانشناختی شاخص‌های کیفیت زندگی را ارتقای بخشید. افزون بر این، از نظر پژوهشی به

پژوهش‌گران علاقمند توصیه می‌شود این پژوهش را با دوره پی‌گیری در میان افراد ساکن در مناطق روستایی و رده‌های مختلف به تفکیک متغیرهایی مانند جنسیت، سن و میزان تحصیلات انجام دهند تا از طریق طرح‌های پژوهشی دراز مدت میزان ثبات و بقای تاثیرات ایجاد شده مشخص گردد. از آن جایی که ارتقای سرمایه روانشناختی در مناطق روستایی، شاخص توانمندی نظام اجتماعی به شمار می‌رود، این توانمندی به لحاظ عملی از طریق ارزیابی زندگی اجتماعات روستایی مدنظر قرار می‌گیرد. بنابر این به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید بر اساس ابزار و امکانات موجود کیفیت زندگی افراد ساکن در مناطق روستایی را ارتقای بخشند نوعی تعادل و یکپارچگی فعال در اجتماعات روستایی بوجود آورند و با یک نظام تبلیغاتی به تقویت مناسبات و همبستگی‌های اجتماعی بپردازند.

کتابشناسی

۱. اکبری بیاتیانی، عبدالرضا؛ پورمحمد رضای تجریشی، معصومه؛ گنجعلی‌وند، ناهید؛ میرزمانی، محمود و مسعود صالحی (۱۳۸۹)، ارتباط شبکه اجتماعی با کیفیت زندگی در والدین دانش آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر، فصلنامه ایرانی کودکان استثنایی، سال یازدهم، شماره۲، ص ١٦٤؛

۲. بابائیان، علی؛ سید نقوی، میرعلی؛ علی‌زاده، حسین و محمدرضا پورغلامی(۱۳۹۰)، تاثیر سرمایه روانشناختی بر رضایت شغلی افسران مرد ناجا، مورد مطالعه، خا.ا. قزوین، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، سال هفتم، شماره سوم، صص ۳٦۹-۳٤٦؛

۳. باسخا، مهدی؛ عاقلی کهنه شیری، لطفعلی و ارشک مسائلی (۱۳۸۹)، رتبه‌بندی شاخص کیفیت زندگی در استان‌های کشور، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۷، ص ۹٦ ؛

٤. بدری، سیدعلی؛ رضوانی، محمدرضا و مجید قرنجیک (۱۳۹۲)، سنجش شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، مطالعه موردی: دهستان جعفر بای جنوبی شهرستان ترکمن، سال٢٤، پیاپی ۵، شماره۲، ص ۵۸ ؛

۵. حسین‌زاده، داوود؛ میرزایی، سابینا (۱۳۸٦)، کیفیت زندگی کاری و تاثیرآن بر بهره‌وری، فصلنامه مدیریت، سال هیجدهم، شماره ۱۲۳، صص ۲۰-۱۷؛

٦. سادات مرعشیان؛ فاطمه و فرح نادری (۱۳۹۲)، رابطه فرهنگ سازمان، هوش هیجانی و سرمایه روانشناختی با خود کارآمدی شغلی و کارآفرینی سازمانی در کارکنان سازمان آب و برق خوزستان، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال چهاردهم، شماره۳، پیاپی۵۳، ص ۱۱۵؛

۷. علیپور، احمد؛ آخوندی، نیلا؛ صرامی فروشانی؛ غلامرضا؛ صفاری‌نیا، مجید و مژگان آگاه‌هریس (۱۳۹۲)، بررسی اثر بخشی مدل مداخله سرمایه روانشناختی (**pci**) بر سلامت کارشناسان شاغل در شرکت ایران خودرو دیزل، دو ماهنامه سلامت کار ایران، دوره۱۰، شماره٤، ص ۱۷؛

۸. غفاری، غلامرضا، امیدی، رضا (۱۳۸۸)، کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، تهران: نشر و پژوهش شیراز؛

۹. محمودی، عادل (۱۳۹۰)، تحلیل تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی در محلات فرسوده درون شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس؛

۱۰. نصراصفهانی، علی؛ عارف‌نژاد، محسن؛ محمدی، سمیه؛ و اعظم خلیلی(۱۳۹۱)، بررسی اثرات سرمایه‌های روانشناختی بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی، مورد مطالعه، سازمان صنایع و معادن استان اصفهان، فصلنامه روانشناسی صنعتی/سازمانی، سال سوم، شماره دوازدهم، ص٥٤؛

۱۱. وصالی، سعید؛ محمدمهدی توکل(۱۳۹۱)، بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در شهر

تهران، سال دوم، شماره دوم، ص ۱۹۸؛

12. **Avey,J,B., Rebeca,J., luthans, R.F:& Mhatre, K.H.,(2001), Met analysis of the impacts of positive psychological capital on employee attitudes, Behaviors and Performance. Human Resources Development Quarterly, Vol. (2), pp: 127-152;**
13. **Bakers, A., Schaufel, W. B.(2008), Positive organizational behavior: Engaged employee in flourishing organizations, Journal of Organizational Behavior, Vol(3), P.29;**
14. **Combs, G, luthans, f,Griffth, J., (2009), Learning motivation and transfer for human capital development: implications from psychological capital, London New York: Published in the peak performance organization, Rutledge, Taylor & Francis;**
15. **Irene, K, Leidelmeijer, Gooitske, M.,(2005), Urban environmental quality and human well-being towards conceptual framework and demarcation of concepts, a literature Studies;**
16. **Katzell,R.A,Thompson,D,Guzzo,R.A.(1992), How job satisfaction and job performance are not linked, New York: Lexmgtan Books;**
17. **Larson, M., Luthans, F., (2006), Potential added value of psychological capital in predicting work attitudes, Journal of Leadership and Organizational Studies, Vol(13) , p.2;**
18. **Luthans, F, Avey j B, Avolio, Dj, Petera, J, L.,(2008), Experimental analysis of a Web Based training intervention to develop positive psychological capital, Academy of management. Learning of Education, 7(2), pp: 209-211;**
19. **Luthans, S,K, Avolio, B,J., (2008), positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfactions personnel psychology, Vol(3), p.60;**
20. **Luthans, S,K., &Susan, J.M., (2005), the linkage between psychological capital and commitment to organizational mission: A Study of nurses. Journal of Nursing Administration, 35(6),pp:304-306;**
21. **Pal, A.K., Kumar, U.C., (2005), quality of life concept for the evolution of societal development of rural community in west Bengal, Indian, Rural Development, Vol. XV, No.2;**
22. **Parkers, M, (1997), Loss in the lives of Southeast Asian elders. In H. Lee Meadow, development in quality if life studies in marketing, Vol.1; blacksboury Virginia, International Society for Quality Studies;**
23. **Synder, C.R., lopes, S.J., (2002), Handbook of positive psychology. New York. Oxford University Press;**
24. **Thin, N., Good, T. & Hodgson, R. (2004), Social development policies result and learning: Experiences from European Agencies. UK Social Development Division;**
25. **Turner,N., Barling, J., & Zaharatos,A., (2002), Positive psychology at work in C.R. Snyder & S. Lopez (Eds), Hand book of positive psychology; Oxford, UK: Oxford university press;**

26. **United nation (2000), Social development, Geneva - www. Unic.ir.org.**
27. **Walter, J., Lechner, C., and Kellermanns, F. W. (2007),"Knowledge transfer between and within alliance partners: private versus collective benefits of social capital", Journal of Business Research, Vol(60), pp:698–710;**
28. **Wright,T.A.,(2003), Positive organizational behavior: An idea whose time has truly come, Journal of organizational behavior, Vol (24), pp:437-442.**